

## Original Article

### The Social and Political Effects of Mazdakism on Iran's Class System During the Sassanid Era

Seyyede Gharibzadeh<sup>1</sup>, Ahmad Kamranifar<sup>2\*</sup>, Mohammad Karim Yousef Jamali<sup>3</sup>

1. PhD Student, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Assistant Professor of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding author)

Email: Kamranifar43@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Received: 15 Apr 2020      Accepted: 13 Aug 2020

#### Abstract

**Objective and Background:** Amongst the Newly Emerging Creeds That Had Been Able to Exert a Considerable Deal of Effect During Sassanid Era on the Then Political and Social Statuses Was the Mindset of Mazdak and his Followers, i. e. Mazdakism. This Movement Challenged the Class Relations and Divulged the Clergymen and Magi's Influence and Succeeded in Changing Some of the Iranian Society's Historical and Social Relations. The Present Study Seeks Investigating the Mazdakism's Political and Social Effects.

**Materials and Methods:** The Present Study Uses a Descriptive-Analytical Method to Analyze the Expansion of Mazdakism and its Effect on the Political and Social Relations of the Iranian Society in the Sassanid Era.

**Findings:** Mazdak's Thoughts Hence Mazdakism Challenged Many of the Social Relations, Including the Domination of Some Classes Such as Clergymen and Magi as Well as the King's Companions in the Sassanid Era. Amongst the Challenged Issues Was the Proposition of the Equality in Properties and Wives That Could Bring About Attractiveness for the Lower Social Classes That Thought They Can Accordingly Make up for the Oppressions to Which They Had Been Subjected. On the Other Hand, the Sassanid Ghobad, as Well, Took Advantage of Mazdak's Vast Movement and Announced Himself as a Follower of Mazdakism so as to be Able to Reduce the Power of the Clergymen and Simultaneously Restore the Prior Kingship Relations.

**Conclusion:** As One of The Essential Pillars of Practicing Policies in the Iranian Society, Parity and Equality Have Been the Source of Evolution in the Society Since Long Ago With Mazdak's Mindset Being an Applied Manifestation Thereof. Mazdak's Equality-Seeking Thoughts Made the Lower Social Classes Hopeful in the Establishment of Social and Political Justice and it can be Even Said that they Became Preludes to the Expansion of Equality-Seeking Thoughts Amidst the Religious and Political Creeds in the Later Periods. Although the Idea of Having Equal Shares of Women and Wives Was Raw and Unexpected, it Was Expressive of the Class-Based Suppression in the Time of Sassanids and it Encouraged Everyone to Gather Around and Rise up With Mazdak. In This Way, Mazdak's Uprising Has Been one of the Turning Points of the Attention to the Establishment of Equal Relations in the Iranian Society.

**Keywords:** Mazdakism; Sassanid Era; Class-Based Oppression; Social Justice

**Please cite this article as:** Gharibzadeh S S, Kamranifar A, The Social and Political Effects of Mazdakism on Iran's Class System During the Sassanid Era. *Med Hist J*, Special Issue on the History of Islam and Iran 2020; 151-163.

## آثار سیاسی و اجتماعی مزدکیان بر نظام طبقاتی ایران در عصر ساسانیان

سیده شیدا غریب‌زاده<sup>۱</sup>، احمد کامرانی‌فر<sup>۲\*</sup>، محمدکریم یوسف جمالی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: Kamranifar43@yahoo.com

۳. دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۳

### چکیده

**زمینه و هدف:** از جمله آیین نوظهوری که در عصر ساسانیان توانسته بود تأثیر قابل توجهی بر وضعیت سیاسی و اجتماعی عصر ساسانیان بگذارد، اندیشه مزدک و پیروان آن یعنی مزدکیان بوده است. این جنبش با به چالش کشیدن مناسبات طبقاتی و همچنین برملا ساختن نفوذ روحانیون و موبدان، برخی مناسبات تاریخی و اجتماعی جامعه ایرانی را به چالش کشیده است. پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی آثار سیاسی و اجتماعی جنبش مزدک بپردازد.

**مواد و روش‌ها:** این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به تجزیه و تحلیل روند گسترش آیین مزدک و تأثیر آن بر مناسبات سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی در عصر ساسانیان می‌پردازد.

**یافته‌ها:** اندیشه‌های مزدک و به تبع آن جنبش مزدکیان بسیاری از مناسبات اجتماعی از جمله تسلط برخی طبقات نظیر روحانیون و موبدان و همچنین شاه‌نشینان در عصر ساسانیان را به چالش کشید. از جمله اینکه با طرح مسأله برابری در اموال و زنان، جذابیتی برای طبقات پایین فراهم آورد تا بتوانند ستم‌های اعمال‌شده در حق خود را جبران نمایند. از طرفی دیگر، قباد ساسانی نیز با بهره‌برداری از گسترش جنبش مزدک، خود را پیرو آیین وی اعلام کرد تا بتواند هم قدرت روحانیون را کاهش دهد و هم مناسبات شاهنشاهی پیشین را اعاده کند.

**نتیجه‌گیری:** عدالت و مساوات به عنوان یکی از ارکان اساسی سیاست‌ورزی در جامعه ایرانی از دیرباز منشأ تحول در جامعه بوده است که اندیشه مزدک نمود عملی یافته است. اندیشه برابری طلبانه مزدک طبقات پایین جامعه را به برقراری عدالت سیاسی و اجتماعی امیدوار ساخت که حتی می‌توان گفت پیش درآمدی بر گسترش اندیشه برابری طلبی در نزد آیین مذهبی و سیاسی در اعصار بعدی شده بود. اندیشه شراکتی شدن زنان و اموال هرچند ایده‌ای خام و غیرمنتظره بوده، اما گویای ستم طبقاتی در زمان ساسانیان بوده که همگی حول قیام مزدک گرد آمدند. قیام مزدک بدین ترتیب یکی از نقاط عطف توجه به برقراری مناسبات برابر در جامعه ایرانی بوده است.

**واژگان کلیدی:** مزدکیان؛ عصر ساسانی؛ ستم طبقاتی؛ عدالت اجتماعی

## مقدمه

عصر ساسانی را باید دوره حاکمیت دین زرتشتی بر همه ارکان اصلی زندگی و حکومت به شمار آورد، زیرا هنجارها و ارزش‌ها بر بنیاد دین، همواره تعاملات و روابط اجتماعی ایرانیان را بر محور اندیشه دینی استوار ساخته بود، چنانچه عامه مزدیسنان در اجرای آیین‌ها و مناسک و حفظ سنت‌ها تحت نظارت حکومت ساسانیان بودند. براساس اندیشه و باورهای دینی، زرتشتی‌گری ساسانی و با بهره‌گیری از جبرگرایی دینی و تسلط سیاسی و اجتماعی، ظلم و ستم طبقاتی را به توده تحمیل کرده بودند و مردم راهی جز تسلیم و سکوت در برابر ستم حاکمان و نابرابری‌های اجتماعی نداشتند. علاوه بر این، فساد دستگاه حاکمیت در کنار تسلط موبدان و روحانیون مذهبی باعث شد تا نارضایتی‌های عمومی از این مجموعه به هم پیوسته افزایش یابد و زمینه‌ها برای شکل‌گیری اندیشه‌های جدید و حتی جنبش‌های اجتماعی فراهم گردد. یکی از این اندیشه‌های جدید به مزدک تعلق داشت که جنبش مزدکیان را به یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی و اجتماعی دوران قباد ساسانی بدل ساخته بود. در دوران شاهنشاهی قباد، مزدک پسر بامداد با تلفیق اندیشه‌های زرتشتی و مانوی و عقاید افلاطونی آیین تازه‌ای عرضه کرد و جنبش اجتماعی ایجاد کرد. هدف وی تغییر و دگرگونی در سیاست و روابط اجتماعی در جامعه طبقاتی عصر ساسانیان بود که با تلفیق عقاید ذکر شده خواستار توجیهی فلسفی برای اقناع پیروان خود بوده است. با این حال، نمودهای عملی جنبش مزدک به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های دوران ساسانیان نیز به شمار می‌رود که خواستار نفی ظلم و ستم حاکم بر آن دوران بوده‌اند. بر این اساس، در انقلاب مزدک، مردم به دنبال شرایط بهتر و از بین بردن فاصله طبقاتی بودند که براساس اندیشه دینی زرتشتی بر آنان تحمیل می‌شد.

سؤالی که قابل طرح است اینکه: اندیشه‌های مزدک چگونه مناسبات اجتماعی و سیاسی در عصر ساسانیان را به چالش کشید؟ و آثار سیاسی و اجتماعی اندیشه‌های مزدک در حوزه‌های مختلف اداره جامعه به چه شکلی نمود یافته است؟ اندیشه مزدک با برجسته کردن ستم و نابرابری طبقاتی،

استثمار زنان و تحریک طبقات پایین جامعه اندیشه اشتراکی کردن زنان و اموال را طرحی برای تغییر وضع موجود تلقی می‌نمود. در همین راستا، در این پژوهش به تحلیل آثار سیاسی و اجتماعی جنبش مزدک پرداخته می‌شود.

## پیشینه و ادبیات تحقیق

پریسان گنجی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله «تأثیر نظام طبقاتی عهد ساسانیان بر نهضت مزدک» زمینه‌های اجتماعی در زمان پیروز پادشاه ساسانی و همچنین ساختار طبقاتی و ظلم‌گرایانه جامعه ایران را عامل ظهور مزدک می‌داند که با فصاحت زبان و قدرت فکر و منطق خود توانست جنبشی گسترده راه بیندازد که تا مدت‌ها، چالشی برای اعیان و اشراف و حتی دستگاه حکومت ساسانی شده بود. اسماعیل سنگاری و علیرضا کرباسی (۱۳۹۵) نیز در مقاله «بررسی علل شکل‌گیری ایده‌آلیسم انقلاب مزدک و تأثیر آن در موفق نشدن این جنبش» شکل‌گیری جنبش مزدک را یکی از نتایج ستم طبقاتی در ایران می‌داند که در آن، اقلیتی از جامعه منابع اصلی جامعه را در اختیار داشته و اکثریت مردم نیز در فلاکت و استثمار زندگی می‌کردند، اما در نهایت آرمان‌های جنبش مزدک به دلیل ناسازگاری با واقعیت‌های جامعه ایران نتوانست تحولات عمیقی ایجاد نماید. آرتور کریستین سن (۱۳۱۴)، در اثر خود با عنوان وضع ملت و دولت و دربار ساسانی، در بخش‌هایی از آن به قدرت گرفتن اندیشه مزدک در دوران ساسانیان اشاره می‌کند و بر این عقیده است که قباد با سیاست‌های خاص خود باعث قدرت گرفتن آیین مزدک شد تا از این طریق بتواند هم قدرت شاهان ساسانی را اعاده کند و هم با بهره‌گیری از اندیشه‌های برابری‌طلبانه مزدک، کمی از فشارهای توده مردم بر علیه حکومت ساسانیان بکاهد. همچنین آرتور کریستین سن (۱۳۰۹) در اثر دیگری با عنوان تاریخ سلطنت قباد و ظهور مزدک، تحولات جنبش مزدک در زمانه پادشاهی قباد ساسانی را بررسی می‌کند و معتقد است که بهره‌گیری قباد از اندیشه مزدک یکی از عوامل مداوم سلطنت وی بوده است که البته بعدها توسط انوشیروان ناکام ماند. از این جهت کتاب مذکور بیشتر روایتی توصیفی - تاریخی

از وضعیت زمانه ظهور مزدک ارائه می‌دهد. حمید حاجیان‌پور (۱۳۷۶)، نیز در مقاله جنبش مزدکی، اندیشه‌های مزدک را پیش‌درآمدی بر طرح اندیشه برابری در قرون بعدی و حتی در دوره اسلامی می‌داند که هرچند ایده‌های وی درباره اشتراک جنسی زنان ناپخته بود، اما توانست اندیشه برابری را در میان توده‌های مردم بپروراند.

علاوه بر موارد ذکر شده، کتب متعدد و تحقیقات فراوانی درباره آیین مزدک وجود دارد، که از جمله می‌توان به مقالاتی توسط بهرام اخوان کاظمی (۱۳۸۳) و محسن سنگلی (۱۳۹۰) و محمدجواد شمس (۱۳۹۰) به نگارش درآمدند، اشاره نمود. از جهت اینکه پژوهش‌های ذکر شده و پژوهش حاضر به بررسی اندیشه‌های مزدک می‌پردازند، دارای اشتراک هستند، اما پژوهش حاضر درصدد است تا این اندیشه را در روابط اجتماعی عصر ساسانیان و تأثیر اندیشه مزدک بر تحولات اجتماعی و سیاسی مورد بررسی قرار دهد. به همین دلیل پژوهش حاضر درصدد بررسی روابط اجتماعی مزدکیان، آراء و اندیشه‌ها و اهداف سیاسی و اجتماعی آنان در عصر ساسانیان می‌پردازد.

### مزدک و مزدکیان در عصر ساسانیان

آیین مزدکی ریشه در دوران هرمزد دوم دارد. در عصر هرمزد دوم بوندس نامی که مانوی بوده، و گویا به صورت فراری در روم می‌زیسته است، مبلغ اندیشه‌های خاصی در زمانه خویش بوده است. به لحاظ تاریخی، در سال ۳۰۰ م. کیش جدیدی در سرزمین ایران اشاعه یافته بود که بوندس در واقع مروج اندیشه‌های دینی مانوی بود که نام و آوازده آن باعث شکل‌گیری پیروان خاصی حول وی شده بود. بعدها اشخاص دیگری که از جمله می‌توان به زرتشت اشاره نمود، اندیشه‌های آن کیش را از سرگرفته و با استفاده از شرایط موجود، میدان زیادی را دور خود جمع کرد و در میان آن پیروان، مزدک به عنوان برجسته‌ترین مبلغ آن کیش شناخته شده بود (۱). در واقع، مزدک شخصی بود که خود را یکی از موبدان زرتشتی قلمداد می‌نمود و حتی به روایت برخی از تاریخ‌نویسان به درجه موبد موبدان نیز دست یافته بود.

بنابراین در گرایش مذهبی مزدک نسبت به آیین زرتشت می‌توان گفت که وی شخصی مذهبی و وابسته به دین زرتشت بوده است. خواجه نظام‌الملک طوسی از جمله کسانی است که به طور مشخص به اندیشه‌های ایرانشهری در عصر باستان و از جمله آیین مزدک پرداخته است و شرایط، عوامل، زمینه‌ها و ویژگی‌های این آیین نو پدید را به پادشاهان عصر خویش آموزش می‌داد. وی درباره شخصیت مزدک چنین بیان می‌کند: «نخستین کسی که اندر جهان مذهب معطله آورد مردی بود که او را موبد موبدان می‌گفتند و نام او مزدک بامدادان به روزگار ملک قباد که پدر انوشیروان بود. خواست که کیش گبران به زیان آورد و راه نو در جهان گسترد و سبب آن بود که این مزدک نجوم نیک می‌دانست و از روش اختران چنان دلیل می‌کرد که مردی در این عهد بیرون آید و دینی آورد. چنان‌که دین گبران و دین یهودان و بت‌پرستان باطل گردد و به معجزات و زور کیش خود در گردن مردمان کند و تا قیامت دین او بماند. تمنای او چنان افتاد که مگر آن کس او باشد» (۲). با این حال، دیدگاه‌های دیگری نیز درباره شخصیت مزدک نیز وجود دارد که برخی حتی وی را متعلق به فرقه مانویان می‌دانند. چنان‌چه کلیما وی را موبد زردشتی نمی‌داند، بلکه از مزدک با عنوان سخن‌گوی خلق یاد می‌کردند که احتمالاً به فرقه‌ای مانوی تعلق داشت (۳). در تأیید این دیدگاه که مزدک به آیین مانوی تعلق داشت، بلعمی نیز نظری مشابه کلیما بیان می‌کند. به عقیده وی، با گذشت ده سال از عهد قباد، مردی با نام مزدک در سرزمین خراسان ظهور کرد و مردم را به آیین خود دعوت می‌نمود. همچنان‌که شریعت وی، همان شریعتی بود که در دشت مغان نیز اجرا می‌شد (۴). همچنین در تشریح شخصیت وی چنین گفته می‌شود که مزدک بامدادان به نظر می‌رسد از نظر خویشاوندی با روحانی سرشناس زردشتی زمان شاپور دوم، آذرباد مهرسپندان، پیوند داشت (۵). مزدک خود از موبدان زرتشتی بود که درواقع اندیشه وی مزدک تلفیقی از خرد مزدیسنان و باورهای مانویت بود.

با این حال، ظهور مزدک نمی‌توانست بدون ارتباط با شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه خویش باشد. چنان‌چه وی

تلاش نمود تا از تقابل با اندیشه‌های مزدک دوری جوید و راه سازش و همسویی را نشان دهد. در همین راستا، هنگامی که قباد دریافت که شرایط سیاسی و اجتماعی بر علیه وی در جریان است و از سویی دیگر، طرفداران مزدک بسیار زیاد هستند، به آیین مزدک گروید تا از این طریق بتواند جلوی مخالفت‌های عمومی بر علیه خود را بگیرد (۸). سیاست قباد باعث گرایش هرچه بیشتر مردم و طبقات مختلف اجتماعی به آیین مزدک شد و قباد از این طریق هم توانست، مخالفت‌ها را بر علیه خود خنثی سازد و هم اینکه محبوبیتی برای مزدک نیز پدید آورد.

میردبان شاه، قسمت اعظم دربار و مخصوصاً طبقات پایین اجتماع که با این آیین به غرایش خفته شده آنان میدان داده شده بود، مزدکی شدند (۹)، البته در این میان، بخش‌هایی از دربار از جمله انوشیروان که هوش و ذکاوت بیشتری نسبت به قباد داشت، خطر قدرت گرفتن مزدک را دریافتند و به همین دلیل، خواستار توطئه‌ای برای خنثی کردن اندیشه‌های وی شدند، اما گرایش مردم و سیاست گرایش قباد به آیین مزدک مانع از اتخاذ تصمیمی واحد بر علیه وی می‌شد. با این حال، قباد پیش از جنبش مزدکی با آموزه‌ها و اندیشه‌های این فرقه از روحانیون زردشتی آشنایی یافته بود و به سان معتقدی واقعی به آموزه‌های نه مزدک، بلکه به زعم خود آموزه‌های واقعی زردشت عمل می‌کرد. در صورتی که تأیید ضمنی قباد نبود، امکان نداشت این موضوع به صورت گسترده اجرا شود (۱۰). شواهد تاریخی حاکی از آن است که در ابتدا قباد می‌پنداشت این تعالیم می‌تواند جامعه را از دشواری‌های مادی و معنوی رها کند، اما آنچه روی داد، بیشتر از آنکه به ثبات و امنیت یاری برساند، موجب بی‌نظمی و آشوب در کشور شده بود و مقدمات خاندان‌ها و بزرگان و اشتراکی کردن اموال و زنان نزد عموم بود. چیزی که نه در جامعه ایران و نه در هیچ جامعه دیگری امکان تحقق آن به این صورت فراهم نبود. بعدها که مزدکیان قتل عام شدند و تحت تعقیب قرار گرفتند. این فرقه تبدیل به فرقه‌ای خاص شده بود که با راست‌گیشی زردشتی اختلافات بسیاری داشت و از طرف زردتشیان به عنوان «زندیق» و «خارج از دین» معرفی می‌شدند (۱۱).

توانسته بود با توجه به خلأ پیش آمده در زمانه ساسانیان به ترویج اندیشه‌ها و باورهای خود بپردازد. زیرکی و ذکاوت مزدک و حمایت برخی از افراد و گروه‌های مذهبی از اندیشه‌های مزدک باعث شده بود تا در زمان اندکی، طرفداران زیادی حول وی جمع شوند. در تشریح شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه مزدک باید گفت که تحركات سال‌های پادشاهی، پیروز، بلاش و قباد، شرایط دشواری را برای حکومت ساسانیان پدید آورده بود. در کنار شرایط دشوار سیاسی، شرایط اجتماعی از جمله قحطی و گرسنگی باعث شدند تا مشروعیت دودمان ساسانی تحت تأثیر قرار گیرد و راه برای برقراری اندیشه‌های جدید باز گردد. از جمله بیان شده است که در زمان پادشاهی قباد، ملخ‌ها بر بخش‌های قابل توجهی از سرزمین تحت امر ساسانیان حمله‌ور شدند و خسارت‌های قابل توجهی بر معیشت مردم وارد نمودند. این رخداد در طی سال‌های ۴۹۹ تا ۵۰۰ م. رخ داده بود (۶). با وجود این شرایط، فراست و ذکاوت مزدک باعث شد تا وی به تبلیغ عقاید و دیدگاه‌های خود بپردازد. بنابر روایت فردوسی و ثعالبی، مزدک نزد کواد رفت و با سخنان فریبنده خود قباد را بر آن داشت که اعلام نماید که هر کسی که مردم گرسنه را از نان محروم کند، سزایش مرگ باشد و سپس مردم بینوا و تهی دست را به غارت انبارها تحریک کرد و موجب تحریک مردم شد. احتمالاً قسمتی از این روایت واقعیت ندارد، ولی بعید نیست که در آن حقیقتی تاریخی نهفته باشد. بر طبق گفته اوتوکیوس (Eutychius) قحطی در دهمین سال سلطنت کواد رخ داد. بدین ترتیب فقر و بیچارگی که در اثر این بلا به وجود آمد، ضرورت تقسیم ثروت را در جامعه ایرانی آن روزگار آشکار کرد و شاید این وضع به مردم ستم‌دیده، جرأت بیشتری داده بود (۷).

اوج گرفتن اندیشه‌های مزدک و پیوستن گروه‌های اجتماعی به اندیشه وی، قباد را در شرایط خاصی قرار داده بود. به همین دلیل وی تلاش نمود تا با استفاده از تجربه و کیاست خود، راهی برای غلبه بر این بحران پیدا نماید. قباد پادشاهی با تجربه بود و تجربه دو بار پادشاهی و تعلق داشتن به خاندان پادشاهی باعث شد تا وی، سازگاری با شرایط پیش آمده را سرلوحه سیاست خود قرار دهد. بنابراین در وهله اول

غربی به این دیانت درآمده بودند و توانسته بودند بنیانگذاران کلیسای نسطوری شوند. جالب اینکه مذهب نسطوری نسخه ایرانی شده دیانت مسیحی بود که در آن مخالفت شدیدی با زهد و ریاضت کسی می‌شد (۱۶).

با وجود این، می‌توان مطمئن بود که این نوع مضامین حاکی از رسوخ اعتقادات گنوسی در دستگاه فکری برخی روحانیون زردشتی بود. از این رو، راست کیشی هرچند وقت یکبار دست به پاکسازی دستگاه دینی خود می‌زد. از همین رو، در زمان شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹ م)، به رهبری روحانی صاحب نفوذی به نام آذرباد مهرسپندان، مقابله‌ای با بدعت‌گذاران آغاز شد (۱۷). مزدک اقدام به اصلاح این آیین زرتشت نمود. وی معتقد بود که این کیش به انحراف رفته و برای حیات و بقای خود نیازمند اصلاحات است. او هرچند مدعی ظهور آیین نو نبود، اما تعلیم وی در جامعه عصر ساسانی نقش‌آفرین بود (۱۸). بر این اساس، میان اندیشه‌های مزدکیان و آموزه‌های زرتشتی همسویی بالایی وجود دارد و می‌توان گفت که هر دو گرایش به دنبال تقریر خاصی از «زند و اوستا» بوده‌اند. بنابراین اندیشه‌های مزدک چیزی متفاوت از باورهای مزدیسنی نبوده است. به عبارتی دیگر، آیین مزدک، تداوم راه آموزه‌های زرتشتی و تکمیل‌کننده آن به شمار می‌رفت و از این جهت، چیزی جدید را بیان نمی‌کرد. این موضوع که مزدک احیاکننده این رویکرد در عصر قباد ساسانی بوده است، مورد توجه خواجه نظام‌الملک نیز قرار گرفت. جایی که بیان می‌کند: «مزدک» گفت: مرا فرستاده‌اند تا دین زردشت تازه گردانم که خلق معنای زند اوستا را فراموش کرده‌اند و فرمان‌های یزدان نه چنان می‌گزارند که زردشت آورده است [...] ملک گفت: ای بزرگان و موبدان، در این معنا چه گوئید؟ گفتند: اول چیز آن است که ما را هم بدین ما و کتاب ما می‌خواند و زردشت را خلاف نمی‌کند و...» (۲). بنابراین آیین مزدک، در بعضی از متون کهن «درست دینی» خوانده شده است. مسکویه رازی مزدکیان را «العدلیه» (دادگرایان) نامیده و ابن بلخی هم از این آیین به قول پیرایش به مذهب عدل تعبیر کرده است (۱۹). در حقیقت آیین مزدک دین جدید نبود، بلکه قصد داشت معنای درست‌تری از زند و اوستا بیان کند؛ یعنی آنچه توسط موبدان فراموش شده بود.

شواهد تاریخی از جمله متون پهلوی نشان‌دهنده جمع‌آوری اوستا در آغاز دوره ساسانی است. در همین راستا، نوشته‌ای از دینکرد اثبات می‌کند که فلسفه ارسطویی و نوافلاطونی و به‌طور کلی اندیشه‌های یونانی وارد ایران شده بود و بعضی از روحانیون آن را پذیرفته و جزء اعتقادات خود کرده بودند و این‌گونه روحانیون زردشتی در واقع نوآوران راستین و معماران سنتی التقاطی بودند (۱۲). در این زمان است که به گفته مالالاس انطاکیایی (۴۶۵ م) در زمان فرمانروایی دیوکلسین (۳۱۳-۲۴۵ م) فردی مانوی با نام بوندوس با ارائه آموزه‌هایی متفاوت با آموزه‌های رسمی مانوی به ایران می‌آید و آیین خود را تبلیغ می‌کند. از دیدگاه وی، نبرد بین خیر و شر به پیروزی خدای خیر پایان یافت، اما نه به طور کامل. رضایت خداوند در پیکار با شر و بدی و پیروزی بر آن است و پیروزی شرط لازم برای کسب شرف و افتخار است (۶). اعضای این فرقه را در ایران «درست دینان» (Ton daristhenon) می‌نامیدند، که به معنای «پیروان آیین واقعی و درست» بود (۱۳). بنا بر گفته این مورخ، قباد پادشاه ساسانی به این فرقه پیوست و در اثنای سلطنتش، جامعه روحانیت مانوی به شکوفایی جدیدی دست یافت (۱۴).

ابن ندیم از یک مزدک مهین (القدیم) و یک مزدک کهین (اخیر) یاد می‌کند و می‌گوید که مزدک مهین پایه‌گذار خرمیه باستان یا جنبش اصلی مزدکیان بود که در واقع به شاخه‌ای از آیین زرتشتی انتساب داشتند (۱۵). مطابق این روایات مزدک متأخر (کهین) متعلق به این فرقه بود که در زمان پادشاهی قباد پدیدار شد و در یک سیاست مکارانه به همراه طرفدارانش و به دست خسرو کشته شدند (۱۱). با این حال، براساس شواهد موجود و یک روایت دیگر می‌توان مزدک مهین را با بوندوس یکسان دانست؛ به علت شباهت برخی تعلیم وی به مذاهب گنوسی راوی ایرانی از وی به عنوان مانوی یاد کرده و این موضوع در روایت مالالاس آورده شده است. این تعلیم پیش از مزدک در جامعه رسوخ یافته بود و به سبب شعارهای جذاب و عامه‌پسندش بخشی از روحانیت زردشتی را نیز تحت تأثیر خود قرار داده بود؛ به ویژه که در همین زمان مسیحیت به سرعت در حال گسترش بود و بسیاری از ایرانیان در مناطق

## آموزه‌های مزدک

## ۱- مقابله با دستگاه حکومت ساسانی

آموزه‌های مزدک به گونه‌ای مطرح شده بود که علاوه بر ایجاد تقابل با دستگاه فکری و سیاسی حاکم در عصر قباد ساسانی، زمینه‌های لازم برای گرایش به آیین جدید را نیز فراهم می‌نمود. بنابراین پذیرش عمومی و اقبال عمومی به سمت آیین مزدک، برخی نگاه‌ها را به سمت قدرت گرفتن وی معطوف نمود. به طور مشخص، مزدک راه رستگاری انسان در پیمودن طریق زهد و ترک دنیا است. انسان برای رسیدن به تعالی باید از علائق خود نسبت به مادیات بکاهد. مزدک در معرفی دیدگاه‌های خود با برجسته کردن دوگانگی دیرینه «خیر - شر»، تلاش می‌کرد تا آثار شر را از روی زمین بردارد و زمینه‌ها را برای بسط خیر همگانی فراهم آورد. تلاش مزدک بر این بود تا دستگاه حکومت و دولت را نماد شر نشان دهد و از این رو نفرت عمومی را در بین مردم ایجاد نماید. از این منظر، رویکرد مذهبی مزدک به نوبه خود آثار سیاسی و اجتماعی نیز به دنبال داشت که بیش از هر چیز دستگاه حکومت ساسانی را با خطر مواجه می‌ساخت. علاوه بر این، مزدک خود را هوادار برقراری عدالت معرفی می‌کرد و از این رو، دستگاه حکومت ساسانی را با چالشی اساسی مواجه کرده بود. دعوت به رهایی از وضعیت اجتماعی و سیاسی نامناسب نیز گویای عصیان علیه یکنواختی و سیستم ملوک الطوائفی ساسانیان بود که برای مدت‌های طولانی، ظلم و استبداد سیاسی را بر مردم تحمیل می‌نمودند. به همین دلیل می‌توان رویکرد مذهبی - اجتماعی مزدک را ساده‌سازی مذهب زرتشت برای عامه مردم تلقی نمود (۲۰).

مزدک از حیث اقتصادی نیز رویکردی را دنبال می‌نمود که بیش از هر چیز نقاط ضعف زمانه را نشانه گرفته بود. مهم‌تر اینکه تلاش برای برقراری مساوات را به همه عرصه‌ها تعمیم داد و خواستار اشتراک جنسیتی زنان نیز شده بود. از نظر مزدک، بخش مهمی از نزاع‌های اجتماعی و سیاسی به دلیل اختلاف و چالش بر سر اموال دنیوی و زنان بوده است. به همین دلیل برای از بین بردن این نزاع نیازمند اشتراک همه مردم در این امور هستیم. بنابراین رویکرد مزدک به وضوح،

رویکرد کمونیستی به تعبیر امروزی تلقی می‌شود. مزدک در همین راستا، اموال را برای همگان مباح اعلام نمود و زنان و اموال را عنوان اموال عمومی در اختیار همگان اعلام نمود تا از این طریق بتواند بر نزاع دائمی مال و زن غلبه نماید (۲۱). در همین راستا، بعضی اعتقاد دارند که مزدک برعکس مانی می‌خواست با تأویلاتی دوگانه پرستی را به توحید فلسفی تبدیل کند. بدین ترتیب دین مزدک شاخه‌ای از دین مانوی بود (۶). به نظر می‌رسد از آموزه‌های اخلاقی زرتشتی بهره‌برداری شده است، ولی در ابعاد کار و تلاش که مهم‌ترین ویژگی هر زرتشتی محسوب می‌شود، کمتر به این مهم توجه شده است.

## ۲- سازش و ستیزش با قباد ساسانی

یکی از جلوه‌های اصلی آثار اندیشه مزدک، رابطه مهر و کین وی و پیروانش با قباد ساسانی بوده است. بیش از هر چیز، آنچه مزدک در زمینه دستیابی به یک جامعه مطلوب ندا می‌داد و پیروان خود را به برابری در اموال و زنان تشویق می‌کرد، باعث تغییراتی اساسی در جامعه طبقاتی آن زمان می‌شد. از جمله اینکه باعث کاهش نفوذ و قدرت روحانیون و دستیابی توده‌ها به مزایایی می‌شد که مدت‌های طولانی آن را از حقوق طبقات بالا می‌دانستند. در همین راستا، ترسیم یک جامعه مطلوب به‌عنوان بخش اصلی رویکرد عملی مزدکیان نسبت به امور سیاسی و اجتماعی زمانه خویش بود. به همین دلیل، مزدک با تردستی که خواجه نظام‌الملک در سیاست‌نامه نیز توضیح می‌دهد، با لطایف‌الحیل به شمار پیروان خود نیز می‌افزود. در همین زمینه، مزدک، اصول و ارکانی را مطرح کرده بود که غالباً آمیخته با خرافات و تفکرات التقاطی ادیان و مذاهب مختلف بوده است. ارکان اعتقادات مزدک را سه چیز تشکیل می‌داد: «آب، خاک و آتش» و یزدانی که بر بالای کرسی و در عالم بالا نشسته است. علاوه بر این، چهار قوه نیز در برابر انسان قرار دارند که شامل: شعور، عقل، حافظه و شادی هستند که در ارتباط به شش وزیر، امور جهان را اداره می‌کنند. انسانی که از نظر مزدک بتواند چهار قوه و شش وزیر را در اختیار بگیرد، ارواح دوازده گانه را در خود جمع می‌کند که این ارواح، بالاترین مرحله انسانی را به وی نشان می‌دهند

پیوسته با حاکمیت را به چالش بکشاند و نوید بخش نظام اجتماعی نوینی باشد.

### ۳- مزدک و مسأله برابری

دستگاه مذهبی حاکم بر عصر ساسانیان، مظهر و تجلی نابرابری اقتصادی و اجتماعی و همچنین توجیه نابرابری به نفع گروه‌های حاکم بوده است. به همین دلیل، بخش‌های مهمی از نظام اندیشگی مزدک، تبلیغ آیین جدید و اجرا کردن آنان در عمل بوده است تا بتواند قدرت ظالمانه موبدان را درهم بشکند. بنابراین قدرت دینی زردشتی نیز بالاتر از قدرت شاهنشاه بوده است؛ موبدان به نام آیین دینی مردم را استثمار می‌کردند. مراکز مذهبی از گنج‌های غیرقابل وصفی انباشته شده بودند. روحانیون با خرید گناهان و خدمت به فنودال‌ها اصالت دین را نتوانستند حفظ کنند (۱۳). بر این اساس مزدک که به اصلاح اوضاع اجتماعی جامعه عهد ساسانی می‌پرداخت و خواستار عدالت‌محوری بوده است. از این‌رو طبقات فرو دست جامعه هواخواهان او و اندیشه‌هایش بودند و به شکل قابل توجهی به جنبش مزدک پیوستند (۱۲). بر همین اساس، مزدک، آیین خود را به گونه‌ای تبلیغ می‌کرد که بلندگویی برای طبقات ناراضی و از جمله مردم عادی باشد. اندیشه مساوات و برابری در حیطه اقتصادی و سیاسی همان چیزی بود که مزدک دنبال می‌نمود. به طور مشخص باید گفت رویکرد مزدک در این زمینه، نظام برده‌داری را که روحانیون زرتشتی توجیه می‌کردند، نشانه گرفته بود. بنابراین اصل تساوی مال و بهره‌مندی از مال و اموال دنیوی در زمره برنامه‌های مزدک قرار گرفته بود (۲۶). بدین ترتیب از نظر مزدک، نابرابری، نتیجه ظلمی است که بر مردم اعمال می‌شود و راه رسیدن به جامعه عادلانه، نفی ظلم و ستم و برقراری مساوات میان مردم است. این رویکرد بر بهره‌مندی مردم از منافع مادی نیز تأکید می‌نماید. بنابراین رفع ظلم و دستیابی به مساوات می‌توانست گویای از بین رفتن نظام قبیله‌ای و قشربندی ساسانی و شکل‌گیری اشکال جدید در مناسبات اجتماعی بوده است (۲۷). به همین دلیل، تأکید بر مساوات که به شکل مشخصی، تقسیم و تسهیم اموال و زنان بوده است، بخش مهمی از دیدگاه‌های مزدک را شامل می‌شود. این

(۲۲). علاوه بر این، مزدک با نشانه گرفتن رأس طبقات متنفذ جامعه، خواستار تغییر مناسبات طبقاتی به نفع توده مردم بود، هرچند در وهله اول، این تغییرات، زلزله‌ای در دستگاه حاکمیت نیز ایجاد می‌کرد، اما اثر دیگری نیز داشت و آن هم کاستن از قدرت روحانیون و موبدان و برافراشته شدن جایگاه پادشاه در مناسبات سیاسی و اجتماعی بوده است.

با این حال، مزدک تلاش می‌کرد از راه فلسفه‌ورزی و نزدیک کردن اندیشه خود به زرتشتی‌گری، حمایت قباد و به تبع آن، حمایت عامه مردم را داشته باشد. بدین ترتیب مزدک نظر دولت‌مردان مخصوصاً شاه را که در رأس هرم قدرت بود جلب کرد تا که با تکیه بر قدرت حکومت و شاه بهتر می‌تواند اهدافش را پیاده کند و در این راه نیز موفق شد و به طرق گوناگون توانست موافقت قباد پادشاه ساسانی را به دست آورد (۲۳). بنابراین، تلاش برای برقراری نظام اندیشگی میان آیین مزدک و زرتشتی‌گری ساسانی به شکل پنهانی نیز ادامه داشت. مزدکیان ابتدا تصور می‌شد که صفات نیک زرتشتیان را داشته باشند، یعنی دارای کردار نیک بوده از گناه بپرهیزند و پرهیزگاری پیشه کنند. با این حال آنان چندان مقید به اجرای آیین‌ها و شعائر و مناسک ظاهری آئین زرتشت نبودند (۷). بدین ترتیب نزدیک شدن مزدک به آیین و مناسک ساسانی، بیش از آنکه رویکردی عقیدتی باشد، ترفندی سیاسی برای کاستن از مخالفت‌های دربار و برقراری نظم نوینی برای گسترش اندیشه‌های خود بوده است. همچنین از آنجایی که قباد یک جاه طلب و به دنبال پیاده کردن سیاست‌های خاص خود بود، دلداده آیین مزدک شده بود (۲۴)، زیرا آیین مزدک از یک جهت باعث تضعیف قدرت روحانیت و گسترش قدرت قباد می‌شد. به همین دلیل قباد از جمله کسانی بود که خود را پیرو آیین مزدک معرفی می‌کرد و سعی می‌کرد از این طریق، قدرت شاهان ساسانی را بازگرداند و از قدرت متنفذان لشکری و کشوری بکاهد. بنابراین جنبش مزدک به قباد ساسانی کمک نمود تا قدرت اشراف را کاهش دهد و نظام اجتماعی، اقتصادی و مذهبی ساسانیان را از نو بازسازی نماید (۲۵). از این جهت، جنبش مزدک یک قیام اصلاحی نیز به شمار می‌رود. چه اینکه توانست بخش‌های اصلی نظام مذهبی

با بهره‌گیری از این شرایط، اصلاحات مورد نظر خویش را محقق سازد (۲۸). بنابراین رویکرد برابری طلبانه مزدک، نوعی آسیب‌شناسی برای دستگاه حکومت ساسانی تلقی می‌شد تا از این طریق بتوانند میزان نارضایتی‌های توده مردم را در عمل نیز مشاهده نمایند.

در حوزه ساماندهی به زندگی فردی نیز مزدک تلاش می‌کرد با ترویج بعضی اندیشه‌ها، پایگاه‌های خود را افزایش دهد. از جمله اینکه انسان‌ها را آرامش و زندگی مسالمت‌آمیز دعوت می‌کرد و توصیه می‌نمود که انسان نباید کسی یا چیزی را بکشد، و حتی گوشت نخورد. فقط با مهربانی، آزادمنشی و عشق به هم‌نوعان خود، باعث ترویج نور در برابر تاریکی شود و حتی نور را بر تاریکی غلبه بخشد (۲۹). بنابراین طرح چنین مسائل جذابی در زمانه‌ای که قدرت و سیاست، امتیازات و منافع تنها برای تعداد محدودی تنظیم شده بود، بیانگر عصیانی جمعی برای دستیابی به عدالت و مبارزه با ظلم بوده است. عصیانی که در رأس آن مزدک قرار داشت که تلاش می‌کرد تا با نقد سیاست‌های نابرابر طبقات بالا، مروج دوستی، مهربانی و زندگی مسالمت‌آمیز در بین مردم باشد.

#### ۴- مزدک و مشکل نابرابری زنان

تلاش مزدک بر این بود تا بتواند با شناسایی چالش‌های موجود در جامعه عصر ساسانی، راه‌حلی برای آنان نیز پیدا کند. این راه‌حل‌ها بیش از هر چیز نظام قشربندی اجتماعی در عصر ساسانی از جمله وضعیت زنان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌داد. در عصر قباد ساسانی، زنان وضعیت مطلوبی نداشتند و همین مسأله باعث توجه مزدک به مطالبات زنان نیز شده بود تا بتواند ستم‌های موجود بر علیه زنان را شناسایی و برطرف سازد. به طور مشخص وجود حرمسراها در دستگاه حکومت و سوءاستفاده از زنان، مزدک را به این سمت رهنمون ساخت که بتواند زنان را از این ستم‌رهایی بخشد، اما راه‌حلی که مزدک ارائه داده بود، تساوی در داشتن زن و به نوعی ارائه رویکرد کمونیستی از آنان بوده است. از این جهت، وی قانون جدیدی برای ازدواج ارائه کرد و در برطرف ساختن برخی محدودیت‌ها علیه زنان کوشش نمود (۳۰). کرون عقیده دارد که کار مزدک در واقع تحکیم نهاد «ستورزنی» (Sturih) بود، یعنی مردی که

دیدگاه روابط اجتماعی مزدکیان با دستگاه حکومت، عناصر مذهبی و نظام قشربندی در آن دوران را پیچیده‌تر می‌کرد.

نظام اجتماعی مورد نظر مزدک، ریشه در تصوراتی بود که وی از جایگاه انسان در عالم خلقت داشته است. در همین راستا، مزدک بر این عقیده بود که انسان‌ها در آفرینش با یکدیگر برابر هستند و به همین دلیل می‌بایست در بهره بردن از مواهب زندگی، برابر باشند. چه اینکه از نظر وی، منشأ نابرابری‌ها در اموال و زنان است. پس برای رفع این مشکل می‌بایست زنان و اموال را برابر نمود تا انسان‌ها دست از ستیزه و جنگ بردارند (۲۵). به همین دلیل وی توانست در اواخر حکومت ساسانیان و پس از اینکه، فاصله گروه‌ها و طبقات اجتماعی رو به فزونی نهاده بود، طرفداران زیادی جمع کند، زیرا مزدک به صراحت عنوان کرده بود که برابر بودن انسان‌ها مستلزم بهره‌مندی عادلانه آنان از اموال و زنان است و از این جهت، تنها طبقات بالانشین نیستند که می‌توانند در رفاه زندگی کنند و یا زنان زیبا را در اختیار داشته باشند. اندیشه مزدک و حمایتی که وی از طبقات پایین به دست آورده بود، نشانگر آن است که وضع زنان و طبقات پایین تا چه اندازه تابع هوس‌های اشراف و بالانشینان بوده است. تأثیرگذاری مزدک و گسترش اندیشه‌های وی برای طبقات مختلف جامعه به حدی بود که قباد ساسانی نیز خود را پیرو اندیشه‌های وی می‌دانست تا در برابر موج سهمگین مخالفت‌ها قدرت را از کف ندهد.

اندیشه برابری طلبی مزدک از یک جهت دیگر مروج سبک زندگی اصلاحی به شمار می‌رفت. بدین معنا که در عرصه اقتصاد با مطرح کردن اندیشه برابری در بهره‌مندی از مزایای اجتماعی، باعث تضعیف قدرت روحانیون شده بود و توزیع قدرت و ثروت را متوازن می‌کرد. از این جهت می‌توان گفت اندیشه مزدک تا حدود زیادی اقتصادی سیاسی عصر ساسانیان را به چالش کشیده بود. همچنان‌که برخی بر این عقیده هستند که اندیشه اصلاحی مزدک زمینه‌ساز ظهور تفکر نوینی در زمانه ساسانیان بوده است. اندیشه نوینی که توانست در سیستم فرتوت ساسانی تغییراتی بنیادین ایجاد نماید که هرچند تأثیرات آن در دوره قباد روشن نشد، اما آثار آن در دوره پادشاهی خسروانوشیروان تجلی یافته بود که وی توانست

قدرت روحانیت و همچنین دربار ساسانی و در نهایت ارائه یک رویکرد عمومی برای طبقات ستمدیده بوده است (۱۱). بدین ترتیب، مزدکیان با ارائه نظمی نوین، خواستار برچیدن برخی امتیازات اشرافی و طبقاتی بودند که بیش از همه ریشه در خیال‌پردازی‌های ایران باستان نیز داشته است.

مزدک علاوه بر اینکه تبلیغ خرافی و متوسل شدن به شیوه‌های فریبنده را در دستور کار قرار داده بود، اما به دنبال این بود که هرکس بتواند سهم واحدی از مال خود را در حیطه عمومی مصرف نماید و امتیازات طبقاتی را از بین ببرد. بنابراین می‌توان عدالت و مساوات را یکی از خصوصیات برجسته جامعه آرمانی مزدکیان برشمرد (۳۰). نمود بارز این برابری، توجه به برابری آحاد مختلف جامعه بود که علی‌القاعده زنان را نیز شامل می‌شد. با این اوصاف مزدک خواستار کم کردن فاصله طبقاتی بود. از جمله این تغییرات در نوع نگرش به زنان اتفاق افتاد که باعث شد بخش‌های حاکمیت، زنان را نیز از دست بدهند. بدین معنا که تا قبل از طرح اندیشه آزادی زنان از سوی مزدک، زنان در دربار و در خدمت هوس‌های شاهان قرار داشتند، اما مزدک با طرح این دیدگاه که زنان برای همه اقشار جامعه باید به نحو مساوی تقسیم گردد، حاکمیت اعیان و اشراف بر زنان را با چالش روبه‌رو ساخت. همچنان‌که در بررسی این نوع از برابری باید گفت که طبقات پایین جامعه به زنانی دست می‌یافتند که همواره در اختیار طبقات بالا بوده‌اند. به تعبیر طبری، طبقات ضعیف و پست جامعه به زنانی دست یافته بودند که «هرگز در آنان طمع نمی‌توانستند بست» (۳۲). اندیشه برابری در اختیار داشتن زنان هرچند اندیشه‌ای سطحی به شمار می‌رود، اما طبقات پایین را جسور می‌کرد که در مزایای اجتماعی خود را با طبقات اعیان‌نشین برابر بدانند. بنابراین طرح این برابری از سوی مزدک می‌توانست باعث دستیابی همه طبقات به مزایای اجتماعی تلقی شود.

### فرجام جنبش مزدک

حلقه پایانی زندگی مزدک به مسئله جانشینی کواد پیوند خورده و این باور وجود دارد که دخالت مزدکیان در امر

فرزند پسر نداشت می‌توانست همسر خود را به ازدواج مرد دیگری درآورد تا برایش پسری بزاید و مزدک این رسم را تعمیم داد (۳۱). آنچه پدیده‌ای نو تلقی می‌شد این بود که مزدک همان چیزی که در ایران به آن «خویدوده» (xwedodah) معتقد بودند نام و تبار فرزند از مادر سرچشمه می‌گیرد که با تعلیمات زردشتی پذیرفته شده در زمان ساسانیان مغایرت داشت (۱۲). با این حال برخی بر این عقیده هستند که هدف مزدک از ارائه راه‌حل برای وضعیت زنان، تلقی کمونیستی از آنان نبوده است. در همین راستا، کلیما بعید می‌داند که مکتب مزدک اشتراک شدن زن را توصیه کرده باشد و نظر وی بیشتر این بوده که هر مرد نسبت به یک زن دارای حق است (۱۴).

دسنرسی همگان به مال از نظر مزدک باعث می‌شد تا نابرابری‌های موجود در جامعه نیز برطرف شوند. به همین دلیل، وی رویکرد کمونیستی و اشتراکی را برای اموال در نظر می‌گرفت. این اصل درواقع می‌توانست بیانگر نوعی استفاده همگانی در حاکمیت ملی باشد. در سیاست‌نامه درباره این سیاست مزدک چنین آمده است: «مال بخشیدنی است میان خلائق که بندگان خدایند و فرزندان آدم از بهر چه حاجت‌مند گردند باید مال یکدیگر خرج کنند، تا هیچ‌کس را در هیچ معنی بی‌برگی نباشد و درماندگان متساوی‌ال‌مال باشند» (۲). مزدک برای برادری بیشتر و کاهش موجبات آز و رشک بر آن بود که دارایی‌ها باید مشترک باشند (۱۴). از نظر مزدک خداوند زر و سیم از برای آن به افراد بخشیده تا که مردم منتفع گردند و به جهت آن آسوده شوند. آنکه زر و سیم دارد با آنکه ندارد به طور مساوی تقسیم نماید. اگر کسی مالداری باشد از محتاجان منع کند اهریمنی می‌باشد. لازم است از وی به منفعت گرفت و تقسیم به عدل نمود (۳۰). بدین‌سان مزدک، با آیین و قوانین جدید درصدد برانداختن نظم موجود و ارائه نظمی نوین بوده است. از جمله اینکه اشتراک در اموال و زنان در وهله اول به معنای ستاندن این امتیازات از طبقات بالا و توزیع آنان در میان طبقات پایین بوده است. این اعمال به نوبه خود باعث مشارکت طبقات پایین در سهم از زمین‌های کشاورزی، کاسته شدن از نفوذ طبقات متمول، کاستن از

نزد مزدکیان به اوج خود رسیده بود. به طوری که مزدک با فریب توده‌های مردمی و بهره‌گیری از شرایط ناعادلانه موجود در جامعه عصر ساسانیان درصدد برانداختن نظم پیشین و ارائه نظمی نوین بر مبنای عدالت و اشتراک در اموال عمومی و زنان بوده است.

### نتیجه‌گیری

اندیشه‌های مزدک و به تبع آن جنبش مزدکیان، نماد بارز و نشانگر ستم طبقاتی در تاریخ ایران از جمله در عصر ساسانیان بوده است. بر همین اساس، مزدک با تیزبینی و با درک شرایط سیاسی و اجتماعی و با بهره‌برداری از نارضایتی‌های اجتماعی، عدالت را به عنوان محور فعالیت‌های خود قرار داد و با طرح اندیشه برابری اموال و زنان چنان تأثیری بر جای نهاد که قباد ساسانی را نیز به اندیشه پیروی از آیین خود وادار نمود، هرچند قیام مزدک دیری نپایید، اما تأثیرات وی بر آشکار ساختن ستم طبقاتی و همچنین استثمار مردان و زنان طبقات پایین، گویای پیوند سیاست و مذهب در عصر ساسانیان است که از این جهت، مزدک نیز خطری برای قدرت روحانیون و موبدان بوده است. با این حال، قباد با کیاست خود، اندیشه مزدک را به گرمی پذیرا شد و با پیوستن به اعضای وی، خطرات سیاسی و امنیتی آن را از خود دور ساخت، هرچند در نهایت مزدک و حامیانش به شکل فجیعی سرکوب شدند، اما جنبش مزدک نوعی آسیب‌شناسی دستگاه حکومت و نظام پادشاهی در ایران بوده است که شاید بتوان گفت بر همین اساس بود که انوشیروان پس از به قدرت رسیدن توانست یکی از عادلانه‌ترین مناسبات سیاسی و اجتماعی را رقم بزند. بنابراین در زمینه اثربخشی جنبش مزدک بر تحولات سیاسی و اجتماعی می‌توان گفت که درک وی از مناسبات نابرابر و ناعادلانه در طی سده‌های بعدی توانست تحولات گسترده‌ای پدید آورد. شاید طرح همین مناسبات عادلانه بود که جامعه ایرانی را شیفته اندیشه برابری طلبانه پس از ورود اسلام به ایران کرد.

اندیشه مزدکیان نابرابری موجود در عصر ساسانیان را بر نمی‌تابید و خواستار تغییر در مناسبات ناعادلانه‌ای بود که در

جانشینی به نفع پسر کواد، کاووس منجر به تغییر رویه وی شد، دیگر به سمت دین مردان سوق داده شد و مزدکیان بیزاری می‌جست و راه را برای خسرو و هوادارانش در سرکوب تمام عیار مزدکیان باز گذاشت و از طرفی دلایل سرکوب و کشتار مزدکیان، ریشه در بدعتی داشت که مزدک و پیروانش درباره زن و دارایی قائل شده بودند (۱۳). خسرو انوشیروان با پدر خود، به خاطر پیروی او از مزدک و آیین وی، سر مخالفت داشت و به راستی منکر آیین مزدک بود و آن را زشت و ناپسند می‌شمرد. انوشیروان از مزدک و باورهایش بیزاری می‌جست (۳۳).

از منابع چنین که برمی‌آید که کشتار مزدکیان طی برنامه‌ای ویژه و از پیش طراحی شده با همکاری موبدان زرتشتی و بزرگان و اشراف صورت گرفت. این احتمال وجود دارد که کشتار در دو مرحله صورت گرفته باشد؛ نخست آنکه مزدک و یارانش را در یک نشست درباری دعوت (۱۴). کردند. ماهبوذ، آذر مهر، بخت‌آفرید، بازان، گلوناژ و آذر فرنیغ شرکت داشتند. در برخی از منابع تاریخی نیز آمده است که با او مناظره کرد و با برهان ثابت کرد مزدک ناحق می‌باشد. پس دستور داد تا او را کشتند و پوست او را پر از کاه کردند. به نظر می‌رسد پس از کشتن سران مزدکی، خسرو و بزرگان مخالف مزدک، بخش دوم سرکوب را که دستور سراسری برای یافتن مزدکیان و کشتار آنها بود به اجرا گذاشتند (۲۰). به گزارش مقدسی «او هشتاد هزار از مزدکیان را در یک روز کشت» (۳۴).

با توجه به اوضاعی که قباد در آن به سلطنت بود می‌توان به نتایجی در باب شخصیت وی رسید. نولد که، کلیما و همچنین دریایی از قباد شخصیتی جسور و فعال ارائه می‌دهند که برای اهداف ماکیاولیستی خود از جنبش مزدک حمایت کرده و در فرصت مناسب هم‌کیشان خود را به قتل رسانده است (۱۴). آنچه قباد را در آینده از این تعالیم بیزار کرد، نه خصلت ماکیاولیستی وی، بلکه عملی نبودن این آموزه‌ها در جامعه‌ای بود که تک تک نهادهای آن در بستر تاریخ و در شرایط واقعی شکل گرفته بود (۱۲). بدین معنا که نزاع قدرت و دستمایه قرار دادن آموزه‌های دینی برای کسب قدرت هم در

آن دوران شکل گرفته بود. اشتراکی کردن اموال و زنان از مهم‌ترین دیدگاه‌هایی بود که وی برای حل این نابرابری ارائه داده بود و پیروان نیز تحت تأثیر آنان، نظم حاکم بر سیاست ساسانیان و دستگاه مذهبی موبدان را به چالش می‌کشیدند. در هر صورت اندیشه‌های مزدک و پیروان وی از حیث نظری، چیز تازه‌ای محسوب نمی‌شد، زیرا اغلب دیدگاه‌های وی ریشه در ایران باستان و همچنین تقلید از سایر نحله‌های فکری در آن دوران بوده است. با این حال، از جنبه عملی و اجتماعی، قیام و جنبش مزدک نوعی نوآوری محسوب می‌شود، زیرا وی بر بسیاری از خواست‌های مردم از جمله ستم طبقاتی، استثمار زنان و سوءاستفاده موبدان از مذهب تأکید می‌نمود و خواستار رفع این نابرابری‌ها شده بود. ایده اشتراکی بودن اموال و زنان شاکله این دیدگاه مساوات‌طلبانه محسوب می‌شود که باعث شد تا اندیشه عدالت‌خواهی در طول تاریخ با جنبش‌های عدالت‌خواه در تاریخ ایران همراه باشد.

**References**

1. Mahmood Abadi. A. History of Iran in the Cassanid Era. Tehran: Publisher Parseh Book; 2013.
2. Toosi. Kh. N. Policy Letter. Corrected Shear. J. Tehran: Publisher Jibi Books; 1985.
3. Klima. O. History of the Mazdakian School. Trans by: Fekri Ershad. J. Tehran: Publisher Toos; 1992.
4. Balaami. A. A. Balaami Historical. Corrected by: Bahar. M. T. Tehran: Publisher Zavar; 2005.
5. Azarfaranbag. F. Azarbad. O. Third Book Dinkord. Trans: Fazilat. F. Tehran: Publisher Fazilat; 2002.
6. Nigoloskian. N. Cities of Iran in Parthian and Sassanid times. Trans by: Reza. E.A. Tehran: Publisher Elmi and Farhangi; 1991.
7. Mirshafiei. A. The fall of the Persian Empire. Tehran: Publisher Islamic Republic; 2014.
8. Hekmat. A.A. History of relations. Tehran: Publisher Ebn Sina; 1969.
9. Haghghat. A. R. Sassanid Religious Rule. Tehran: Publisher Komesh.
10. Boyce. M. Zoroastrians religious beliefs and Customs. Trans by Bahrami. A. Tehran: Publisher GHoghnoos; 2002.
11. Yarshater. E. History of Iran Cambridge. Trans Anoshe. H. Tehran: Publisher Amir Kabir; 2004.
12. Daryayi. T. Sassanian Empire . Trans Saghebfar. M. Tehran: Publisher Ghoghnoos; 2011.
13. Cristian Sen. A. Iran during the Sassanids. Rashid Yasemi. Gh. Tehran: Publisher Ngeh; 2010.
14. Klima. O. History of the Mazdakian Movement. Trans by: Fekri Ershad. J. Tehran: Publisher Toos; 2010.
15. Ebn Nadim. M.E. Alfehrest. Trans: Tajadod. M.R. Tehran: Publisher Asatir; 2002.
16. Asmosen. Y.P. Cristian in Iran. Corrected by Yarshater. E. Trans by: Anosheh. H. Tehran: Publisher Amir Kabir; 1998.
17. Zener. A.S. Zoroastrians Sunrise and Sunset. Trans Ghaderi. T. Publisher Toos; 2008.
18. Karbasian. M. Karimi Zanjani Asl. M. Heresy and irreligion in Sassanid Iran. Tehran: Publisher Akhtaran; 2005.
19. Zarinkoob. A.h. History of the Iranian people before Islam. Tehran: Publisher Amirkabir; 2011.
20. Gardizi. A.S. Ben Mahmood. Z. Gardizi Historical. Corrected by Habibi. A. Tehran: Publisher Book World; 1983.
21. Shahrestani. M.A. Nations and approaches. Trans by: Hashemi. M. Corrected by: Jalali Naieni. M.R. Tehran: Publisher Eghbal; 2005.
22. Bahmani. J. History Time. Tehran: Publisher Khorami; 1976.
23. Raiesnia. R. From Mazdak to later. Tehran: Publisher Payam; 1979.
24. Cristian Sen. A. The Situation of the nation and the government and the Sassanid Court. Trans by: Minovi. M. Tehran: Publisher Matbaat Majles; 1953.
25. Ganji. P. The Impact of the Sassanid Class System on the Mazdak Movement. 2017: 12 (45); pp 10-35.
26. Naghavi. A.M. Mazdak Ideas. Tehran: Publisher Ataei; 1973.
27. Dianokov. M. History of ancient Iran. Trans by: Rohi. A. Tehran: Publisher Book; 2003.
28. Hajian poor. H. Mazdaki Movement. 1997: 1 (74); pp 1-11.
29. Wiesehofer. Y. The uprising of Gaumata and the beginning of the reign of First Dariush. Trans by: Sadeghi. H. Tehran: Publisher Ameh; 2006.
30. Rezaei. A.A. The Lineage of the ancient Iranian World. Tehran: Publisher Marzi; 1995.
31. Cameron. A. 'Agathias on the Sassanian' , Dunborton Oaks Papers. 1969: 1 (23); pp 1-19.
32. Jarir tabari. M. Historis of rosol and Kings. Trans by: Payandeh. A. GH. Tehran: Publisher Asatir; 1982.
33. Mirzaei. A.A. Khosrow I Anushirvan Sassanid. Tehran: Publisher Parseh Book; 2016.
34. Maghdasi. M.H. Creation and History. Trans By: Shafie Kadkani. M.R. Tehran: Publisher Agah; 1995.